



میر سید علی همدانی*

دکتر غلامعلی حدادعادل

در حدود یکصد سال پیش از این، شاعری ایرانی به نام «وحدت کرمانشاهی» که کم‌گوی و گزیده‌گوی بوده، غزلی سروده که من چند بیت از آن را، از آن جهت که گویی وصف حال میرسیدعلی همدانی است، به یاد او می‌خوانم:

از یک خروش یا رب شب‌زنده‌دارها	حاجت‌روا شدند هزاران هزارها
یک آه سرد سوخته‌جانی، سحر زند	در خرمن وجود جهانی شرارها
آری دعای نیمه‌شب دل‌شکستگان	باشد کلید قفل مهمات کارها
مینای می ز بند غمت می‌دهد نجات	هان ای حکیم گفتمت این نکته بارها
طاق و رواق میکده هرگز تهی مباد	از های و هوی عربدهٔ باده‌خوارها
پیغام دوست می‌رسد هر زمان به گوش	از نغمه‌های زیر و بزم چنگ و تارها
ساقی به یک کرشمهٔ مستانه در ازل	بربود عقل و دین و دل هوشیارها
وحدت به تیر غمزه و شمشیر ناز شد	بی جرم کشته در سر کوی نگارها

ابتدا باید از جمهوری تاجیکستان «یک جهان» تشکر کنم که با برپایی این همایش به

* سخنرانی در همایش بین‌المللی علمی شناخت میر سیدعلی همدانی در تاجیکستان.

نکوداشت عارف بزرگ، امیر کبیر، شاه همدان، میر سید علی همدانی، که همان «امیرجان» تاجیکان است، همت گماشتند و قدر این گوهر نهفته در سینهٔ سرزمین خود را دانستند و چشم و دل مردمان را به سوی آن آفتاب درخشان معطوف ساختند.

خاک همدان از دیرباز عارف‌پرور بوده و کوه الوند در دامن و دامنهٔ خود بسی چون باباطاهر و عین‌القضات و میر سید علی را پرورده است. شکی نیست که جهان امروز، با همهٔ پیشرفتی که در علم و فناوری کرده، در انسانیت و اخلاق به انحطاط و پستی گراییده است. ما در دنیای زندگی می‌کنیم که روزی، بل، ساعتی نیست که خبری از قتل و خرابی و ویرانی از چارسوی عالم، به‌ویژه از عالم اسلام، به گوشمان نرسد و دلمان را به درد نیآورد. معلوم می‌شود که علم و فناوری، هر چند می‌تواند ما را بر طبیعت مسلط سازد، ما را سعادتمند نمی‌کند و انسان، بیش از تسلط بر طبیعت، محتاج تسلط بر خویشتن و مهار کردن نفس و هواهای نفسانی خویش است. این همان جوهر و چکیدهٔ تعالیم انبیای الهی و اولیای دین و عارفان بزرگ است که جناب میر سید علی همدانی را مسلماً باید از جمله آنان دانست. بزرگداشت بزرگانی نظیر میر سید علی همدانی را در دنیای امروز نباید یک کار تشریفاتی و نمایشی به حساب آورد، بلکه باید آن را کوششی دانست به منظور رساندن پیام الهی و معنوی انسانی به بشر امروز که به شنیدن آن پیام بسیار محتاج است. در باب میر سید علی همدانی چند نکته گفتنی است که به اختصار بدان اشاره می‌شود:

هر کسی شرح احوال میر سید علی و آثار او را خوانده و افکار او را شناخته باشد می‌داند که این عارف بزرگ در همهٔ عمر در عالم اسلام در سیر و سفر و جنبش و جوشش بوده تا بدان حد که در یک نوبت هفتصد تن از فرهیختگان و صنعتگران و هنرمندان را با خود از همدان به کشمیر برده و جامعهٔ جدیدی در آن سرزمین ایجاد کرده و به یک معنی، با تبدیل کشمیر به «ایران صغیر»، تمدن‌سازی کرده است. از اینجا می‌توان دریافت که عرفان، برخلاف آنچه می‌پندارند، با انزوا و گوشه‌گیری و عدم دخالت در امور اجتماعی و سیاست، ملازمه ندارد و عارف حقیقی کسی است که در عین حال که دل به دنیا نمی‌بندد، لحظه‌ای از کار جامعه و جهان غافل ننشیند، و این همان سخنی است که عارف بزرگ ایرانی دیگر، یعنی حافظ، که از قضا معاصر میر سید علی همدانی نیز بوده،

بیان کرده و گفته است:

مرا به کار جهان هرگز التفات نبود رخ تو در نظر من چنین خوشش آراست
میر سید علی به معنی واقعی عارف و زاهد بوده و برای گذران زندگی خود شخصاً کار
می‌کرده است. به اقتصاد و صنعت و تولید توجه داشته و از صنعتگران و پیشه‌وران حمایت
می‌کرده است. او زهد را در تولید هر چه بیشتر برای رفاه جامعه و مصرف هر چه کمتر
برای شخص خود می‌دانسته است. اقبال لاهوری تأثیر شگرف میر سید علی را در کشمیر
این چنین بیان کرده است:

خطه آن شاه دریا آستین داد علم و صنعت و تهذیب دین
آفرید آن مرد «ایران صغیر» با هنرهای غریب و دلپذیر

نکته مهم دیگری که از بررسی احوال و شخصیت میر سید علی بر ما معلوم می‌شود
این است که بزرگان دین ما اسلام و ایمان را با استفاده از عقلانیت و عدالت و محبت و
رأفت و رحمت تبلیغ کرده‌اند و گسترش داده‌اند. آفتی که امروز در قالب تروریسم و
افراط‌گرایی به نام اسلام به جان کشورها و ملت‌های اسلامی افتاده هیچ شباهتی با
اسلام حقیقی ندارد. برپایی همایشی به نام میر سید علی همدانی در اوضاع و احوال
امروزی جهان اسلام که گرفتار هجوم بی‌رحمانه تروریست‌ها و تکفیری‌ها شده، به معنی
اعلام برائت از رفتارهای خشن و بی‌رحمانه و بی‌منطق گروه‌های افراطی است.

میر سید علی، به‌عنوان یک مسلمان، پیرو پیامبر و دوستدار حضرت علی -
علیه‌السلام - بوده و می‌دانسته است که آن حضرت در نامه خود به مالک اشتر، هنگامی
که او برای حکومت بر مردم مصر عازم آن دیار بوده، فرموده است: ولا تکون علیهم سباً
ضارياً تغتتم اکلهم، فانهم صنفان اما اخ لک فی الدین و اما نظیر فی الخلق.
هان ای مالک! نسبت به مردم چونان حیوان درنده و آسیب‌زننده مباش که بلعیدن
مردم را غنیمت بدانی، زیرا مردم دو دسته‌اند: یا برادر دینی تو هستند و یا انسانی که در
آفرینش فرقی با تو ندارند.

میر سید علی به فرهنگ و زبانی تعلق داشته که اندکی قبل از او سعدی نماینده بارز
آن بوده و گفته است:

یکی سیرت نیک‌مردان شنو اگر نیک‌بختی و مردانه‌رو

که شبلی ز حانوت گندم‌فروش	به ده برد انبان گندم به دوش
نگه کرد و موری در آن غله دید	که سرگشته هر گوشه‌ای می‌دوید
ز رحمت بر او شب نیارست خفت	به مأوای خود بازش آورد و گفت
مروت نباشد که این مور ریش	پراکنده گردانم از جای خویش
درون پراگندگان جمع دار	که جمعیت باشد از روزگار
چه خوش گفت فردوسی پاک‌زاد	که رحمت بر آن تربت پاک باد
میازار موری که دانه‌کش است	که جان دارد و جان شیرین خوش است
سیاه‌اندرون باشد و سنگدل	که خواهد که موری شود تنگدل

میر سید علی همدانی نسبت به مردم مهربان و دلسوز بوده، حاکمان و پادشاهان زمانه خود را با صراحت و قاطعیت به مهربانی و عدل و داد نسبت به مردم دعوت می‌کرده است، چنانکه در نامه‌ای خطاب به یکی از شاهان گفته است که در روز قیامت: کار پادشاه و حاکم از همه سخت‌تر است؛ زیرا که هر کسی را از احوال وی پرسند و حاکم را از احوال جهانیان خواهند پرسید. اگر در آن روز توقع عفو و غفران داری از آن حضرت، امروز با بندگان او به عدل و احسان معامله کن، و این وقتی میسر شود که پیران رعایا را چون فرزند باشی و جوانان را چون برادر و طفلان را چون پدر و مظلومان را ناصر و ظالمان را قانع و فاجران را فاضح و تائبان را ناصح و مطیعان را معین و در قول صادق و در عهد واثق و در نعمت شاکر و در محنت صابر و در عمل مخلص و در رفعت متواضع و در جمال پارسا.

ای عزیز! پادشاه امین و وکیل و خزانه‌دار حق است. بر تو باد که در خزانه حق به هوای نفس و تسویل شیطان تصرف نکنی و آنچه بگیری به حق گیری و حق به مستحق رسانی، تا در عذاب و فزیحت هول فزع اکبر نمانی... ای عزیز! اگر در ولایت تو یک گرسنه یا برهنه یا ظلم رسیده باشد و تو را از حال وی خبر نبود و تفقد حال وی نکنی، تو را از مرتبه اهل تقوا نصیب نیست.

درس سومی که از میر سید علی همدانی می‌توان گرفت این است که بآنکه وی مسلمانی شیعه و دوستدار و پیرو خاندان پیامبر بوده، هرگز نسبت به شخصیت‌های مورد احترام و مورد قبول سایر مذاهب اسلامی بی‌احترامی نکرده و سبب کینه‌توزی و دشمنی میان پیروان مذاهب نشده و تفرقه ایجاد نکرده است. مسلمانان باید از میر سید علی

همدانی درس وحدت بیاموزند.

آخرین نکته این است که میر سید علی همدانی معنویت و عرفان اسلامی را همچون روحی در پیکر زبان فارسی دمیده و با این روح و پیکر بخش وسیعی از ایران امروز و کشمیر و پاکستان و افغانستان و تاجیکستان را متحول ساخته است. همه ما امروز آن روح را و هم آن پیکر را عزیز می‌داریم. فرزندان میر سید علی همدانی در ایران و تاجیکستان و افغانستان، که به زبان او تکلم می‌کنند، دست به دست هم داده‌اند تا پژمردگی را از درخت برومند زبان فارسی دور سازند. ایرانیان و تاجیکان و افغانان می‌کوشند تا چراغ زبان فارسی را روشن‌تر کنند. باشد که با نورافشانی این چراغ، صلح و رحمت و محبت و آبادی و آزادی، چنانکه میر سید علی آرزو می‌کرد، بر جنگ و خونریزی و بی‌رحمی و ویرانی و استبداد چیره گردد.





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی